

تبعات امنیت اقتصادی روابط ترکیه با کشورهای قفقاز جنوبی

زهرا مشفق^۱

چکیده

ترکیه با الگوی اولویت‌دهی راهبردی با محوریت جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان و تلاش برای عادی‌سازی روابط با ارمنستان با استفاده از جبر جغرافیایی حاکم بر رفتار خارجی آن، روابط خود را در حوزه‌های مختلف تجاری، نظامی و امنیتی، سرمایه‌گذاری و فرهنگی (در قالب قدرت نرم) در قفقاز جنوبی توسعه داده است. تجارتی به ارزش ۵/۶ میلیارد دلار با منطقه، سرمایه‌گذاری به ارزش حدود بالای ۱۲ میلیارد دلار در جمهوری آذربایجان و رسیدن به رقم سرمایه‌گذاری سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار در گرجستان و البته تنزل به ۲۴ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به دلیل شرایط کرونایی، استفاده از اشتراکات زبانی، فرهنگی و اعطای بورس تحصیلی و در نهایت، فروش تجهیزات نظامی، مؤلفه‌های الگوی راهبردی ترکیه را به صورت مصداقی در قفقاز جنوبی تشکیل می‌دهند. این در حالی است که الگوی برابری راهبردی ایران که کشورمان تا سال ۲۰۲۰ در پیش گرفته بود، به دلیل تعارض با الگوهای دوستی و دشمنی، ساخت اجتماعی-امنیتی و توزیع قدرت در منطقه، در مسیر عملیاتی شدن با چالش‌های زیادی مواجه شد. پیشنهاد می‌شود ایران راهبردهایی مانند برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از طرح‌های خفته منطقه‌ای مانند ترانسیکا، تلاش برای گذار از برابری راهبردی به اولویت‌دهی راهبردی، تغییر نگاه امنیتی به جمهوری آذربایجان، تقویت و تعمیق همکاری در حوزه‌های امنیتی و نظامی و همکاری در حوزه‌های فرهنگی در قالب قدرت نرم را در راستای تقویت امنیت اقتصادی در پیش بگیرد.

واژگان کلیدی: ارمنستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، سرمایه‌گذاری، گرجستان.

مقدمه

از سال ۲۰۱۶، سلسله عواملی مانند کودتای ۲۰۱۶، حمایت ایالات متحده آمریکا از کردهای شمال سوریه، تحولات حوزه مدیترانه و حمایت کشورهای غربی از قبرس و یونان همراه با تغییرات ساختار نظام بین‌الملل و گذار از ماهیت تک‌قطبی به چندقطبی و تغییر تمرکز آمریکا از غرب آسیا به شرق آن، به عنوان پیشران‌های راهبرد سیاست خارجی استقلال‌استراتژیک ترکیه عمل کرده‌اند؛ هر چند انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ و اعمال رویکرد ادغامی نسبت به ملی‌گراها در ساختار سیاسی و اعمال سیاست تهاجمی در حوزه روابط خارجی برای مشروعیت‌آفرینی داخلی، در اعمال این راهبرد مؤثر بوده‌اند. حوزه قفقاز جنوبی مشکل از سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های مذکور، بسیاری از اندیشمندان، این منطقه را در وضعیت خلأ قدرت ارزیابی کردند. برای

تغییراتی از قبیل به حاشیه رفتن سیاست، به صفر رساندن اختلافات با همسایگان و تعدیل نقش این کشور به عنوان نیروی عضو ناتو و حافظ منافع غرب منجر شده است. با وجود این، باید در سیاست‌های این کشور بین دو منطقه قفقاز جنوبی، مبتنی بر اولویت‌دهی راهبردی همراه با استفاده از جبر ژئوپلیتیکی حاکم بر رفتار خارجی ارمنستان و آسیای مرکزی، مبتنی بر توسعه چندجانبه‌گرایی و هم‌گرایی روابط در قالب سازمان کشورهای ترک‌زبان همراه با نگاه تاکتیکی به کلیت حضور در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های ژئواکونومیکی خود در ارتباط با چین و تولید اهرم و ابزار چانه‌زنی در برابر روسیه در غرب آسیا و اروپا در حوزه مدیترانه، تفکیک قائل شد.

مهم‌ترین پرسشی که در این باره مطرح است، این است که کدام یک از مؤلفه‌های ژئواکونومیکی یا ژئوپلیتیکی در شکل‌دهی ماهیت کنشگری ترکیه در قفقاز جنوبی نقش پررنگ‌تری ایفا می‌کند؟ بررسی آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که حجم سرمایه‌گذاری‌ها، تعداد شرکت‌های ترکیه‌ای فعال در منطقه، حجم مرادفات تجاری، اهمیت انرژی این منطقه و کارکرد سازمان کشورهای ترک‌زبان در سی سال گذشته، وزن ژئواکونومیکی کنشگری ترکیه را در منطقه افزایش داده است. تجارت به ارزش بالای ۱۰ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری به ارزش حدود ۳۰ میلیارد دلار در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی و فعالیت حدود بالای ۷ هزار شرکت ترکیه‌ای در این منطقه همراه با اهمیت بهره‌برداری از ظرفیت‌های انرژی

همین، این حوزه جغرافیایی توجه بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مانند روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا، ایران و ترکیه را به خود جلب کرده است.

قرار گرفتن قفقاز جنوبی میان دو حوزه نزدیک دریای‌های خزر و سیاه باعث اهمیت مضاعف این منطقه برای ترکیه شده است؛ به گونه‌ای که این کشور از نظر تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی، خود را بخش جدایی‌ناپذیر منطقه می‌داند. ترکیه با ملاحظات تاریخی و درک تبعات اقتصادی، الگوی اولویت‌دهی راهبردی با محوریت جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان را در منطقه در پیش گرفته است. این در حالی است که ایران با اتخاذ الگوی برابری راهبردی، جایگاه برابری را برای کشورهای قفقاز جنوبی در حوزه‌های روابط دیپلماتیک و سیاسی قائل است و این موضوع در مقایسه با ترکیه، منجر به تبعات منفی اقتصادی شده است. در این گزارش، پیامدهای اعمال این دو راهبرد متفاوت به تصویر کشیده شده است.

در این پژوهش، ابتدا کوشش شده است به ماهیت راهبردها پرداخته شود و در ادامه، با توجه به تبعات اقتصادی این الگوها، مطلوبیت هر کدام سنجیده و در نهایت، راهکارهای لازم برای تقویت امنیت اقتصادی کشور ارائه شود.

۱- ماهیت روابط راهبردی ترکیه و ایران نسبت به قفقاز جنوبی

تغییرات کلی در سیاست خارجی ترکیه و ایفای نقش به‌عنوان بازیگر مستقل راهبردی، در رویکردهای اعمالی این کشور در قفقاز و آسیای مرکزی به

راهبردی و موافقت‌نامه حمایت متقابل در آگوست سال ۲۰۱۰ و موافقت‌نامه شوشا در سال ۲۰۲۱، نقطه عطف روابط دو کشور به شمار می‌آیند. ترکیه درباره بحران قره‌باغ از جمهوری آذربایجان به‌طور رسمی و عملیاتی حمایت کرده است. برای مثال، ترکیه در برخورد نظامی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در آوریل ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰، حمایت خود را از جمهوری آذربایجان اعلام کرد و خواستار پایان اشغال غیرقانونی قره‌باغ و مناطق پیرامونی آن شد. درباره گرجستان هم به دلایلی مانند هم‌جواری ژئوپلیتیکی و عبور کریدورهای مهم انتقال انرژی و ترانزیتی، گسترش روابط راهبردی با این کشور در راستای منافع ملی ترکیه تعریف شده است.

درباره ارمنستان، ذهنیت منفی تاریخی بین دو کشور، به‌ویژه بین دیاسپورا و احزاب افراطی ارمنستان با ترکیه، همواره یکی از مهم‌ترین موانع در دو کشور برای عادی‌سازی روابط بوده است. افزون‌براین، تا سال ۲۰۲۰، اصرار آنکارا بر حل مسئله اشغال قره‌باغ به‌عنوان پیش‌شرط هرگونه مذاکره با ارمنستان از جمله موانع برقراری این روابط به شمار می‌آمد و به نظر می‌رسد با تحولات سال ۲۰۲۰ و پیروزی آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ، موانع عادی‌سازی روابط ارمنستان و ترکیه تا حدودی برطرف شده است؛ البته موانع دیگری در مسیر عادی‌سازی روابط دو کشور وجود دارد. برای مثال، مخالفان داخلی در ترکیه ایجاد هرگونه کمیسیون برای بررسی حادثه کشتار ادعایی ارمنستان را به معنی پذیرش احتمال وقوع این کشتار تلقی کرده و با آن به مخالفت برخاسته‌اند و براین‌اساس، این راهکار میانه که برای حل مسئله پیشنهاد شده، با بن‌بست مواجه شده است.

کشورهای منطقه در چشم‌انداز منزلت ژئواکونومیکی خود برای کشورهای غربی، در مجموع اهمیت ژئواکونومیکی را پررنگ‌تر کرده است.

ترکیه در شرایط کنونی، گسترش روابط با جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان و عادی‌سازی روابط با ارمنستان را به‌عنوان الگوی روابط راهبردی خود در قفقاز جنوبی تعیین کرده است و در این باره از نقش تعیین‌کننده جبر جغرافیایی در ارتباط با ارمنستان سود می‌برد. جمهوری آذربایجان در دوره پسا شوروی به‌عنوان مطمئن‌ترین شریک راهبردی ترکیه شناخته می‌شود. از سال ۱۹۹۱، روابط دو کشور به سطح چندبعدی و راهبردی رسیده و با ماهیت چندبعدی در ابعاد مختلف ریشه دوانده است. در واقع، جمهوری آذربایجان به دلیل پیوندهای قومی و فرهنگی با ترکیه، مستعدترین مورد در بین کشورهای استقلال‌یافته از فروپاشی شوروی، برای نفوذ اقتصادی و سیاسی ترکیه بوده است. جمهوری آذربایجان به‌عنوان ثروتمندترین کشور قفقاز جنوبی، دروازه ورود ترکیه به دریای خزر و آسیای مرکزی به شمار می‌آید. ماهیت راهبردی روابط دو کشور به‌صورت متقابل بوده و همان‌طور که ترکیه به آذربایجان برای برخورداری از حمایت در عرصه‌های بین‌المللی نیازمند است، جمهوری آذربایجان نیز به حمایت ترکیه برای برقراری نوعی تعادل قدرت در برابر روسیه نیاز دارد.

افزون‌براین، جمهوری آذربایجان نقش محوری را در رویکردهای سیاسی مختلف ترکیه مانند اوراسیانیست‌ها، عثمان‌گرایی^۲ و اسلام‌گرایی دارد. در چند سال گذشته شاهد تقویت روابط دو کشور بوده‌ایم. امضای مشارکت

ابعاد مختلف شده است؛ البته به نظر می‌رسد با تغییر میدان بازی و قواعد حاکم بر آن، رویکرد ایران در سال‌های آتی از کارآمدی بیشتر برخوردار باشد. در ادامه، به مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی راهبردی ترکیه در قفقاز جنوبی اشاره می‌شود.

۱-۱- تجارت ترکیه و ایران با قفقاز جنوبی

در این بخش، به ارزش تجارت و مهم‌ترین محصولات صادراتی و وارداتی ترکیه و ایران به کشورهای قفقاز جنوبی پرداخته می‌شود تا ضمن بررسی روابط تجاری، تبعات تجاری الگوی راهبردی این دو کشور در قفقاز جنوبی مشخص شود.

جدول ۱- صادرات ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۲۰

ردیف	کشور	ارزش صادرات ترکیه (میلیارد دلار)	مجموع ارزش واردات (میلیارد دلار)	سهم ترکیه (درصد)
۱	آذربایجان	۱/۵	۱۰/۷	۱۴/۵
۲	گرجستان	۱/۲	۶/۱	۲۰
۳	ارمنستان	۰/۲۲۹	۴/۵	۵

مأخذ: Trade map.

ترکیه به دلیل اولویت راهبردی که برای برقراری روابط با گرجستان و جمهوری آذربایجان قائل است، بیشترین حجم صادرات در منطقه را به این کشورها دارد. این در حالی است تنگنای ژئوپلیتیکی حاکم بر ارمنستان و محدودیت گزینه‌های روابط خارجی، این کشور را ملزم به واردات محصولاتی به ارزش بیش از ۲۲۹ میلیون دلار از ترکیه کرده است. در واقع، ترکیه با علم به این اجبار ژئوپلیتیکی ارمنستان و اجبار این کشور به واردات محصولات در هر شرایطی، با هدف بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های جمهوری آذربایجان، روابط خود را با این کشور توسعه داده است.

قابلیت‌ها و مزیت‌های اقتصادی جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان، ترکیه را به اولویت‌دهی راهبردی به سمت این کشورها سوق داده است. این در حالی است که در سال‌های گذشته، ملاحظات اقتصادی و قاعده بازی با حاصل جمع صفر بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان در محاسبات ایران برای ارتباط با کشورهای قفقاز جنوبی جایگاه مهمی نداشته است. ایران در سال‌های گذشته با اتخاذ نوعی برابری راهبردی کوشیده است تا روابط برابر سیاسی و دیپلماتیک با این سه کشور برقرار کند. خود این موضوع مانع از تعمیق روابط ایران و جمهوری آذربایجان در

براساس جدول شماره ۱، جمهوری آذربایجان با وارداتی به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار، مهم‌ترین شریک صادراتی ترکیه در قفقاز جنوبی به شمار می‌آید و بعد از آن، به ترتیب گرجستان و ارمنستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ماشین‌آلات، تجهیزات الکترونیکی، پلاستیک، آهن و فولاد و مصنوعات آن‌ها، مبلمان، وسایل نقلیه، صابون، مروارید طبیعی و مصنوعی، کاغذ و مقوا، محصولات شیمیایی، انواع رنگ، انواع پوشاک و مواد تشکیل‌دهنده آن، چوب و مصنوعات آن، آلومینیوم، انواع سبزیجات، میوه و پنبه مهم‌ترین محصولات صادراتی ترکیه به کشورهای قفقاز جنوبی هستند. در واقع، کالاهای تولیدی و مصرفی، عمده محصولات صادراتی ترکیه به این منطقه به شمار می‌آیند.

جدول ۲- واردات ترکیه از کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۲۰

ردیف	کشور	ارزش (میلیارد دلار)	مجموع ارزش کل صادرات (میلیارد دلار)	سهم (درصد)
۱	آذربایجان	۲/۵	۱۳/۷	۱۸/۹
۲	گرجستان	۰/۱۷۹	۲/۵	۷
۳	ارمنستان	۰/۰۰۰۴۸۰	۲/۵	۰/۰۱

مأخذ: Trade map.

پنبه، آلومینیوم و مصنوعات آن، مواد شیمیایی آلی، پلاستیک و مصنوعات آن، سوخت‌های فسیلی، مروراید طبیعی و مصنوعی، اسلحه و مهمات، مس و مصنوعات آن، آهن و فولاد، پوست خام و چرم، خوراک دام، سنگ معدن، روغن‌های گیاهی و حیوانی، سرب و شیشه مهم‌ترین محصولات وارداتی ترکیه از قفقاز جنوبی هستند.

بر اساس جدول شماره ۲، جمهوری آذربایجان با صادراتی به ارزش ۲/۵ میلیارد دلار، مهم‌ترین شریک وارداتی ترکیه در قفقاز جنوبی به شمار می‌آید و بعد از آن، به ترتیب گرجستان و ارمنستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بر اساس جدول، سهم ترکیه در صادرات جمهوری آذربایجان با بیش از ۱۸ درصد، بیشتر از دیگر کشورهای قفقاز جنوبی است.

جدول ۳- ارزش صادرات ایران به کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۲۰

ردیف	کشور	ارزش صادرات ایران (میلیون دلار)	ارزش کل واردات کشور (میلیارد دلار)	سهم ایران از واردات کشور (درصد)
۱	ارمنستان	۳۱۴/۸	۴/۵	۶/۹
۲	آذربایجان	۳۰۰/۶	۱۰/۷	۲/۸
۳	گرجستان	۴۱/۷	۶/۱	۰/۶

مأخذ: Trade map.

ایران و ترکیه (به‌استثنای آذربایجان) دارای تراز تجاری مثبت در تجارت با منطقه هستند و عمده کالاهای صادراتی این دو کشور به منطقه، کالاهای تولیدی و مصرفی است. پلاستیک، میوه، آهن و فولاد و مصنوعات آنها، مواد شیمیایی، انواع سبزیجات و کاغذ از جمله محصولات مشترک صادراتی دو کشور به منطقه هستند و در این موارد، رقیب یکدیگر به شمار می‌آیند. ایران در صادرات محصولاتی مانند سوخت‌های فسیلی، محصولات سرمایه‌یک، انواع سنگ، فرش، نمک، مس و وسایل عکاسی نوری، دست برتر را نسبت به ترکیه دارد. با وجود این، مجموع ارزش صادرات ترکیه به قفقاز جنوبی حدود چهار برابر ایران است.

بر اساس جدول شماره ۳، جمهوری ارمنستان با وارداتی به ارزش ۳۱۴/۸ میلیون دلار و با داشتن سهمی حدود ۶/۹ درصد، مهم‌ترین شریک صادراتی ایران در قفقاز جنوبی به شمار می‌آید و بعد از آن، به ترتیب آذربایجان و گرجستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. پلاستیک، سوخت‌های فسیلی، انواع سبزیجات، محصولات سرمایه‌یک، شیشه، انواع میوه، آهن و فولاد و مصنوعات آنها، محصولات نساجی، شکر، انواع سنگ و گچ، وسایل نقلیه، انواع پوست و چرم، ماشین‌آلات، انواع کفش، مواد شیمیایی معدنی، نمک، فرش، وسایل عکاسی، مس و کاغذ مهم‌ترین محصولات صادراتی ایران به قفقاز جنوبی هستند.

جدول ۴- واردات ایران از کشورهای قفقاز جنوبی در سال ۲۰۲۰

ردیف	کشور	ارزش صادرات به ایران (میلیون دلار)	مجموع ارزش صادرات کشور (میلیارد دلار)	سهم ایران از صادرات کشورهای قفقاز جنوبی (درصد)
۱	ارمنستان	۸۴/۷	۲/۵	۳/۳
۲	صادرات آذربایجان	۳۸/۴	۱۳/۷	۰/۲
۳	گرجستان	۱۸/۲	۲/۵	۰/۷

مأخذ: Trade map.

سرمایه‌گذار مستقیم خارجی در اقتصاد این کشور به شمار می‌آید. در سال ۲۰۰۸، سوکار ۵۱ درصد از سهام مجموعه پتروشیمی واقع در ازبیر ترکیه را خرید و در سال ۲۰۱۳، مسئولیت ساخت پالایشگاه استار^۲ را به ارزش ۶۳ میلیارد دلار بر عهده گرفت و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار مستقیم خارجی در ترکیه در چند دهه گذشته بوده است. این پالایشگاه که ساخت آن را کنسرسیوم چندملیتی شامل شرکت‌های اسپانیایی، ایتالیایی، کره‌جنوبی و ژاپنی انجام داده‌اند، در اکتبر سال ۲۰۱۸ فعالیت خود را آغاز کرد. همچنین، سوکار بزرگ‌ترین بندر دارنده کانتینر در دریای اژه را اداره می‌کند.

تعداد شرکت‌های آذربایجانی که در سراسر ترکیه مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند، به ۲۴۰۰ عدد می‌رسد. حجم سرمایه‌گذاری جمهوری آذربایجان در ترکیه به ۱۵/۳ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری ترکیه در این کشور تاکنون، به ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد. اکنون حدود ۳۴۰۰ شرکت ترک در جمهوری آذربایجان مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند و به‌طور متداول در مناقصه‌هایی که دولت آذربایجان برگزار می‌کند، شرکت می‌کنند. شرکت نفت دولتی جمهوری آذربایجان (سوکار)، نه تنها سهم عمده‌ای در پایداری و توسعه

بر اساس جدول شماره ۴، ارمنستان با وارداتی به ارزش ۸۴/۷ میلیون دلار، مهم‌ترین شریک وارداتی ایران در منطقه قفقاز جنوبی به شمار می‌آید و بعد از آن، به‌ترتیب آذربایجان و گرجستان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. گوشت و فراورده‌های آن، مواد نساجی دست‌ساز، چوب و مصنوعات آن، محصولات پتروشیمی، آهن و فولاد و مصنوعات آن‌ها، ماشین‌آلات، وسایل نقلیه، انواع چسب، وسایل عکاسی نوری، انواع سبزیجات، تجهیزات الکترونیکی، خوراک دام، غلات و محصولات لبنی از محصولات وارداتی ایران از کشورهای قفقاز جنوبی هستند. محصولاتی مانند آهن و فولاد و مصنوعات آن‌ها و خوراک دام را هر دو کشور ایران و ترکیه از این منطقه وارد می‌کنند و برای محصولاتی مانند سوخت‌های فسیلی، شیشه، مس، سنگ و پوست، ایران به‌عنوان صادرکننده و ترکیه به‌عنوان واردکننده در منطقه مطرح هستند. ایران در صورت حمایت از تولید داخلی این محصولات و حمایت از صادرات آن به این منطقه، می‌تواند ارزش صادرات خود به قفقاز جنوبی را توسعه دهد.

۱-۲- حوزه سرمایه‌گذاری

جمهوری آذربایجان به‌خاطر فعالیت‌های سوکار (شرکت نفت دولتی آذربایجان)^۱ در بخش انرژی ترکیه، مهم‌ترین

1. State Oil Company of the Azerbaijan Republic (SOCAR)
2. Star

میلیارد مترمکعب گاز به اروپا منتقل می‌کند. خط لوله تاناپ، طولانی‌ترین خط لوله گاز طبیعی در جهان با ۱۸۵۰ کیلومتر طول است که ظرفیت تأمین ۱۲ درصد گاز طبیعی مورد تقاضای ترکیه را در خود دارد. خط لوله تاناپ در ژوئن سال ۲۰۱۸ راه‌اندازی شد و در صورت ادامه سرمایه‌گذاری، قابلیت ارتقا از ۱۶ میلیارد مترمکعب به ۲۴ و سپس به ۳۱ میلیارد مترمکعب را خواهد داشت. این در حالی است که ایران دریافت سالانه ۱۸۰ مگاوات برق از جمهوری آذربایجان را دستور کار قرار داده است. این همکاری در مقایسه با حجم و دامنه سرمایه‌گذاری‌های متقابل ترکیه و جمهوری آذربایجان رقم ناچیزی است.

درباره گرجستان هم با توجه به روابط خوب ترکیه با این کشور، سرمایه‌گذاری ترکیه در گرجستان طی سال‌های اخیر از رشد مناسبی برخوردار بوده است؛ به طوری که اگر در سال ۲۰۰۹ این سرمایه‌گذاری برابر با ۹۸ میلیون دلار بوده، در سال ۲۰۱۷ به ۲۷۴ میلیون دلار رسیده است. این سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۲۰۱۸ حدود ۵۰ میلیون دلار افت نسبی داشت، اما در سال ۲۰۱۹ باز هم رشد کرد؛ به طوری که طی شش ماه اول سال ۲۰۱۹، از صد میلیون دلار فراتر رفت؛ البته شیوع کرونا در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ بر روند سرمایه‌گذاری ترکیه در گرجستان اثر منفی گذاشت و در این سال‌ها میزان سرمایه‌گذاری ترکیه به ترتیب ۲۲ و ۲۴ میلیون دلار بود. نکته شایان توجه اینکه، سرمایه‌گذاری‌های ترکیه در گرجستان بیشتر در بخش تولیدی و

همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور دارد، بلکه نقش مهمی هم در تضمین امنیت عرضه انرژی برای ترکیه و اروپا ایفا می‌کند.

افزون‌براین، سوکار با کسب مالکیت پتکین^۱، غول پتروشیمی ترکیه در سال ۲۰۰۸، چندین طرح مهم را برای کمک به تضمین امنیت انرژی ترکیه آغاز کرده است. بعد از اکتشاف میدان گازی شاه‌دنیز در بخش آذربایجانی دریای خزر در میانه دهه ۱۹۹۰، کریدور گاز جنوبی توسعه داده شد. بر اساس این طرح، گاز طبیعی جمهوری آذربایجان از طریق ترکیه به اروپا منتقل می‌شود. در ابتدا، فاز اول توسعه میدان شاه‌دنیز در سال ۲۰۰۷ اتفاق افتاد و گاز از این میدان به گرجستان و ترکیه صادر شد. به دنبال آن، برای توسعه فاز دوم میدان در میانه دهه ۲۰۰۰، چندین طرح برای بهبود بیشتر طرح کریدور جنوبی اجرا شد. طرح خط لوله گاز طبیعی ترانس آناتولی (تاناپ)^۲، طرح راهبردی ترکیه و جمهوری آذربایجان که حدود ۷ میلیارد دلار هزینه دربرداشته است، همراه با خط لوله قفقاز جنوبی و خط لوله ترانس آدریاتیک (تاپ)^۳، بخش مهمی از کریدور گاز جنوبی را تشکیل می‌دهند. مجموع سرمایه‌گذاری در کریدور گاز جنوبی حدود ۴۰ میلیارد دلار بوده است که تکمیل آن در سال‌های آتی اتفاق خواهد افتاد.

کریدور گاز جنوبی حدود ۳۵۰۰ کیلومتر از سواحل باکو تا ایتالیا توسعه یافته است و تاناپ به‌عنوان بخشی از طرح کریدور گاز جنوبی، سالانه ظرفیت انتقال ۱۶ میلیارد مترمکعب را دارد. خط لوله تاپ، سالانه ۱۰

1. Petkin
2. Trans Anatolian Natural Gas Pipeline Project
3. Trans Adriatic Pipeline

است. ترکیه با گرجستان هم توافق‌نامه کمک‌های نظامی و پروتکل لجستیکی را در سال ۲۰۰۵ امضا کرده است. افزون‌براین، همکاری‌های نظامی منطقه در سال‌های اخیر ماهیت سه‌بعدی پیدا کرده است. برای مثال، رؤسای ستاد مشترک ترکیه و گرجستان و وزیر دفاع جمهوری آذربایجان در دیدار سه‌جانبه خود در سال ۲۰۱۸ در باکو، یادداشت تفاهم همکاری نظامی امضا کردند. این دیدار نشان‌دهنده ارتقای مناسبات نظامی سه کشور به سطح راهبردی است. دیدار بعدی فرماندهان نظامی سه کشور در سال ۲۰۱۹، در ترکیه برگزار شد. در دیدار باکو، گزارش گروه کاری نظامی مشترک بررسی و تعمیق همکاری در زمینه‌های آموزش نظامی، پزشکی نظامی و دیگر امور طرح‌ریزی شد. تمرینات نظامی ستادی مشترک سه کشور در ترکیه برگزار می‌شود. اوج همکاری‌های نظامی ترکیه با جمهوری آذربایجان به سال ۲۰۲۰ و جنگ دوم قره‌باغ برمی‌گردد که با دادن پهلوهای راهبردی بایراکتار، نقش مهمی در سرنوشت جنگ و رقم خوردن روند تحولات به نفع جمهوری آذربایجان ایفا کرد.

یکی از دلایل گسترش روابط سه‌جانبه نظامی ترکیه با جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان، تغییر در دکترین کلی این کشور است. این کشور بعد از سردی روابط پیش‌آمده با اتحادیه اروپا و نیز فاصله گرفتن آمریکا از قفقاز جنوبی، به‌نوعی سعی دارد با پایه‌ریزی سیاست خارجی متعادل، اما اندکی با محوریت شرقی که در آن روسیه جایگاه ویژه‌ای دارد، نفوذ خود در قفقاز را گسترش دهد. پروژه‌های مشترک کمربند انرژی از جمله تاناب، بهره‌برداری از راه‌آهن باکو-تفلیس-قارص و اجرایی کردن مسیر حمل‌ونقلی نخجوان در آینده

گردشگری بوده و در ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی اهمیت داشته است. ایران در مقایسه با ترکیه، در حوزه سرمایه‌گذاری در گرجستان و حضور در بازار این کشور زیاد موفق عمل نکرده است.

۱-۳- حوزه نظامی

همکاری نظامی بین جمهوری آذربایجان و ترکیه برای نخستین‌بار در سال ۱۹۹۲ و با توافق‌نامه‌ای بین دولت‌های این دو کشور درباره آموزش نظامی آغاز شد. در ژوئن سال ۲۰۱۰، شرکت نظامی آذربایجان، Azersimtel، اعلام کرد که با شرکت صنایع مکانیکی و شیمیایی ترکیه، MKE، برای راه‌اندازی تأسیسات نظامی مشترک به توافق رسیده است. به گفته مقامات ترکیه، این همکاری‌های نظامی در سال ۲۰۱۰ با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری ترکیه در آذربایجان همراه بوده است. مرحله اول این سرمایه‌گذاری در راستای تولید تسلیحات نظامی برای نیروهای مسلح آذربایجان انجام شد. در دسامبر ۲۰۱۰، هر دو کشور دامنه معاهدات نظامی را گسترش دادند؛ به‌گونه‌ای که تضمینات امنیتی برای پشتیبانی از نیروهای نظامی یکدیگر ارائه دادند که هر یک از دو کشور در صورت مورد حمله واقع شدن، از طرف کشور دیگر مورد حمایت نظامی قرار گیرد. موافقت‌نامه شوشا هم در سال ۲۰۲۱ با محتوای مشابه بین دو کشور به امضا رسید. در این ارتباط، بیش از بیست شرکت صنایع نظامی ترکیه در آذربایجان مشغول فعالیت هستند. در سال‌های اخیر هم دو کشور همکاری نزدیک خود را در حوزه‌های نظامی مانند صنایع دفاعی گسترش داده‌اند و موافقت‌نامه تبادل پرسنل نظامی که از سال ۱۹۹۲ به مرحله اجرا درآمده، با برگزاری مانورهای مشترک نظامی همراه شده

همکاری‌های نظامی ایران در مقایسه با ترکیه با منطقه قفقاز جنوبی محدودتر بوده است.

۱-۴- حوزه فرهنگی و قدرت نرم

در قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان در محور سیاست‌های قدرت نرم ترکیه قرار دارد. تلاش ترکیه برای ارتقای قدرت نرم خود در جمهوری آذربایجان با اتکا به مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی بوده و با تأکید بر پراکنش زبان ترکی، مؤلفه زبان را به محور مغناطیس فرهنگی در منطقه قفقاز جنوبی تبدیل کرده است؛ به گونه‌ای که از این مؤلفه برای پخش برنامه‌های ۲۴ ساعته و ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای در آسیای مرکزی و قفقاز استفاده می‌کند. همچنین، تأسیس مدارس ترکی در منطقه قفقاز جنوبی و اعطای بورس به دانشجویان آذربایجانی و گرجستانی از جمله راهکارهای ترکیه برای متمایل کردن قشر تحصیل کرده در این کشورها به ترکیه است. شبکه‌ها و سریال‌های ترکی نیز به عنوان قدرت نرم دیپلماسی عمومی ترکیه در قفقاز جنوبی قلمداد می‌شوند. این مهم موجب شده است که به رغم آنکه جمهوری آذربایجان جزئی از قلمرو فرهنگی ایران به شمار می‌آید، ترکیه بتواند نقش مؤثرتری در حوزه دیپلماسی فرهنگی در قبال این کشور در راستای منافع خود ایفا کند و عملاً مانع از بهره‌برداری ایران از ظرفیت‌های فرهنگی خود در دیپلماسی عمومی در قبال جمهوری آذربایجان شود. برخی موضع‌گیری‌های نسنجیده در شبکه‌های رسانه‌ای و برخی اظهارنظرهای مطرح شده در محافل سیاسی-مذهبی داخلی هم تأثیر منفی بر روابط ایران و جمهوری آذربایجان داشته است.

نه‌چندان دور بستر همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف بین سه کشور را فراهم می‌کند. اتحاد نظامی برای محافظت از کمربند انرژی مشترک بین سه کشور، نمونه این همکاری‌ها در آینده خواهد بود.

در باره همکاری‌های نظامی ایران و جمهوری آذربایجان در کنار مشاوره نظامی، می‌توان به فروش تجهیزات نظامی به ارزش ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلار به جمهوری آذربایجان توسط ایران در دوره ریاست جمهوری مرحوم هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. همچنین، توافق‌نامه‌ای نظامی در سال ۲۰۰۵ بین ایران و جمهوری آذربایجان منعقد شده است که بر اساس آن، دو کشور توافق کردند در عرصه‌های امنیت بین‌المللی، سیاست دفاع، صنایع دفاعی، بهداشت و پزشکی نظامی، برگزاری برنامه‌های نظامی، فرهنگی و ورزشی نیروهای مسلح، سازمان‌دهی سفرهای متقابل مسئولان نظامی، رایزنی و نشست گروه‌های کاری، اطلاع‌رسانی متقابل درباره شرایط سیاسی و نظامی منطقه، مطالعات علمی و نظامی از جمله در حوزه ایجاد فناوری‌های جدید نظامی و تجهیز متقابل سلاح همکاری کنند. در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ هم مقامات نظامی دو کشور در راستای همکاری‌های فنی و نظامی، سفرهایی به کشورهای یکدیگر و در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱، مقامات نظامی دو کشور برای کاهش تنش، گفت‌وگوهایی با یکدیگر داشتند. درباره همکاری‌های نظامی ایران و ارمنستان، با استناد به سخنان وزیر دفاع این کشور در سال ۱۳۹۷، همکاری‌های راهبردی دو کشور توسعه یافت و همکاری‌های نظامی در حد مشورت‌های نظامی در سطح وزرای دفاع بود. در مجموع، در نگاهی تطبیقی،

۲- تبعات ناشی از جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰

جنگ دوم قره‌باغ تحولات اساسی در روند پویایی‌های منطقه‌ای، ماهیت تعاملات و ساخت اجتماعی قفقاز جنوبی به ارمغان آورده است. ترکیه و جمهوری آذربایجان که تا سال ۲۰۲۰، رویکرد تغییر وضع موجود را به‌عنوان اولویت راهبردی خود در منطقه برگزیده بودند، با جنگ دوم قره‌باغ و دستاوردهای عمده ناشی از آن، رویکرد حفظ وضع موجود را برگزیده‌اند. روندهای منطقه‌ای بیشتر ماهیت ژئواکونومیکی پیدا کرده است و امکان عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان و ارمنستان با جمهوری آذربایجان، از رویدادهای محتمل در منطقه به شمار می‌آید که ماهیت تحولات منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، برخی طرح‌های همکاری منطقه‌ای مانند کریدور اروپا، قفقاز جنوبی و آسیا (معروف به تراسیکا) که از سال ۱۹۹۳ به دلایلی از جمله اختلافات ارمنستان با دو کشور ترکیه و جمهوری آذربایجان به بن‌بست خورده بود، با عادی‌سازی روابط این کشورها، می‌تواند پروسه اجرایی خود را طی و مسیرهای حمل‌ونقلی شرق-غرب را فعال کند. غفلت از این طرح‌ها و ارائه نشدن پروژه‌های مناسب برای همکاری، به حاشیه رفتن ایران از فرصت‌های جدید را منجر می‌شود.

همچنین، ترکیه و جمهوری آذربایجان تلاش خواهند کرد از طریق درگیر ساختن منافع ارمنستان در طرح‌های منطقه‌ای مانند طرح ۳+۳، اهرم‌های فشار را از جنس اقتصادی درباره ارمنستان در راستای حفظ وضع موجود ایجاد کنند. روسیه هم در کنار حضور

ژئوپلیتیکی، تلاش خواهد کرد از طریق فعال کردن شریان‌های تجاری و حمل‌ونقلی، به‌ویژه فعال کردن مسیرهای ریلی و حمل‌ونقلی دوران اتحاد جماهیر شوروی، حضور ژئواکونومیکی خود در منطقه را تثبیت کند. بنابراین، لازم است ایران با در نظر گرفتن روند تحولات کنونی، ابتکارات لازم را برای حفظ و افزایش امنیت اقتصادی خود به کار بندد.

۳- ملاحظات امنیت اقتصادی برای ایران

با تحولات جدید رخ داده در منطقه قفقاز جنوبی، پویایی‌های اقتصادی و ژئواکونومیکی جایگزین پویایی‌های امنیتی شده است. در این باره ترکیه کوشیده است در مسیر شرق-غرب، خط لوله‌های انتقال انرژی برای انتقال منابع دریای خزر به اروپا و مسیرهای ریلی و حمل‌ونقلی را بین چین و اروپا فعال کند و با مطرح کردن خود به‌عنوان هاب ریلی و انرژی، ضمن اتخاذ امتیازهای اقتصادی، اهمیت ژئواکونومیکی خود را افزایش دهد. اقتضای شرایط جدید، اتخاذ رویکرد فعال و ارائه طرح‌های لازم و همسو برای درگیر کردن منافع با کشورهای ذی‌نفع شرایط جدید مانند ترکیه، چین، روسیه و اروپاست. رویکرد انفعالی و غفلت از تحولات جدید موجب به حاشیه راندن ایران از ترتیبات جدید منطقه‌ای و تعدیل و تضعیف امنیت اقتصادی ایران در ارتباط با کشورهای شمالی می‌شود. با توجه به تحولات جدید، به‌احتمال زیاد در آینده شاهد فعال شدن مسیرهای شرق-غرب و طرح‌های ختای منطقه‌ای مانند تراسیکا و مطرح شدن طرح‌های نو برای همکاری در سطح منطقه‌ای خواهیم بود. از این رو اتخاذ رویکرد

ترکیه در حوزه‌های امنیتی و نظامی، روابط خود را با گرجستان و جمهوری آذربایجان توسعه داده است. در حوزه فرهنگی و سیاست نرم هم ترکیه، جمهوری آذربایجان را در قفقاز جنوبی محور سیاست‌های خود قرار داده و از طریق مؤلفه‌های زبانی، فرهنگی و قومی کوشش کرده است نگاه دو دولت و یک ملت را در افکار عمومی دو جامعه درونی کند. در نقطه مقابل، ایران تا سال ۲۰۲۰، سیاست برابری را در سطح منطقه پیاده کرده که به دلیل تعارض با الگوی حاکم بر ساختار امنیتی منطقه و ساخت اجتماعی تجدیدنظرطلبی، مطلوب عمل نکرده است. در ادامه، راهکارهای پیشنهادی برای تقویت امنیت اقتصادی ایران در منطقه قفقاز جنوبی ارائه می‌شوند.

– برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از طرح‌های خفته منطقه مانند تراسیکا و سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه: در صورت عادی‌سازی روابط ترکیه با ارمنستان که به دلایلی مانند موافقت‌نامه سه‌جانبه آتش‌بس جنگ دوم قره‌باغ دور از انتظار نیست، بسیاری از طرح‌های خفته منطقه‌ای مانند تراسیکا و سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه دوباره فعال می‌شوند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با ایجاد زیرساخت‌ها و موافقت‌نامه‌های ضروری، مقدمات لازم برای حضور فعال در این طرح‌های منطقه‌ای فراهم شود.

– تلاش برای گذار از برابری راهبردی به اولویت‌دهی راهبردی: با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از مؤلفه‌های اقتصادی، جغرافیایی، ترانزیتی و کریدورهای انتقال انرژی، جمهوری آذربایجان از ظرفیت‌های زیادی

پیش‌دستانه و آماده کردن ابتکارات جدید برای بهره‌برداری از فرصت‌های جدید و خشتی کردن تهدیدهای احتمالی ضروری است.

جمع‌بندی و ارائه راهکارهای پیشنهادی

ترکیه با اتخاذ الگوی اولویت‌دهی راهبردی برای گسترش روابط با جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان و امکان عادی‌سازی روابط با ارمنستان با استفاده از موقعیت جغرافیایی جبرگرایانه آن، تلاش کرده است روابط خود را با کشورهای قفقاز جنوبی توسعه دهد. در این باره این کشور توانسته است تجارت محصولات تولیدی و مصرفی را با کشورهای منطقه به ارزش حدود ۵/۶ میلیارد دلار توسعه دهد. مجموع ارزش صادرات ترکیه به قفقاز جنوبی حدود چهار برابر ایران است. مجموعه عواملی مانند وضعیت زیرساخت‌ها، متنوع بودن کالاهای صادراتی و حمایت از تولید داخلی در گسترش صادرات این کشور به منطقه اثرگذار بوده است، اما هوشمندی ترکیه در استفاده از الگوی روابط مناسب برای گسترش روابط با منطقه، در موفقیت این کشور نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

میزان سرمایه‌گذاری ترکیه در جمهوری آذربایجان بیش از ۱۲ میلیارد دلار و سرمایه‌گذاری جمهوری آذربایجان در ترکیه بیش از ۱۵ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که میزان سرمایه‌گذاری ترکیه در گرجستان هم در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به رقم سالانه حدود ۲۰۰ میلیون دلار رسیده و در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به‌خاطر شرایط کرونا به حدود ۲۴ میلیون دلار کاهش یافته است. همچنین،

پرننگ نشان داده می‌شود، اما در واقع، تجربه تاریخی، غلبه نگاه ایران‌محوری در مناطق آذربایجان ایران را در صد سال گذشته، از زمان مشروطیت تا انقلاب اسلامی، اثبات کرده است. همچنین، در شرایط کنونی، جمهوری آذربایجان به دلایلی مانند انتقادات کشورهای غربی به‌خاطر مسائل حقوق بشری و عدم حمایت از این کشور در مسئله قره‌باغ، نگاه به شرق را در رویکرد سیاست خارجی خود تقویت کرده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود از طریق حذف نگاه امنیتی، گسترش روابط در همه ابعاد با این کشور در دستور کار قرار گیرد.

- همکاری در حوزه‌های فرهنگی و آموزشی: ایران می‌تواند به مناسبت اساطیر تاریخی مشترک، همایش‌های مشترکی را با کشورهای منطقه برگزار کند و نیز با اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان کشورهای منطقه در قالب سیاست نرم، تثبیت حضور خود را در بلندمدت در سطح منطقه تضمین کند.

منابع

- Turkey's Central Asia policy, Strategic Comments (2021), 27:3, v-vii.
- Ali Emre Sucu, Ivan Safranchuk, Alexander Nesmashnyi & Qosimsho Iskandarov (2021): Transformation of Middle Powers with the Decline of World Hegemony: The Case of Turkey, Strategic Analysis
- Hakan Mehmetcik & Arda Can Çelik (2021): The Militarization of Turkish Foreign Policy, Journal of Balkan and Near Eastern Studies

در مقایسه با دیگر کشورهای قفقاز جنوبی برای گسترش روابط ایران در منطقه برخوردار است و جبر جغرافیایی حاکم و انتخاب‌های محدود در حوزه روابط خارجی، ارمنستان را در هر شرایطی به سوی ایران هدایت می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود جمهوری آذربایجان در اولویت سیاست‌های تنظیمی و اعمالی کشور در منطقه باشد.

- گسترش و تعمیق روابط در حوزه‌های امنیتی و نظامی: همکاری‌های ایران در سطح منطقه عمدتاً به همکاری‌های اقتصادی محدود شده و فعالیت‌های فرهنگی ایران در سطح منطقه، به‌رغم برخی تلاش‌ها، نتیجه مطلوبی نداشته است. وقتی کشورهایی مانند روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی وارد بازار نظامی منطقه شده‌اند و از این موضوع در راستای نفوذ سیاسی خود استفاده می‌کنند، ایران هم باید به دنبال تقویت روابط نظامی خود در این منطقه باشد. حضور ایران در بازار نظامی و فروش تسلیحات می‌تواند از سویی، حضور شرکت‌های غربی، به‌ویژه رژیم صهیونیستی که عمدتاً در حوزه نظامی روابط خود را با کشورهای منطقه، به‌ویژه جمهوری آذربایجان گسترش داده‌اند، تضعیف کند و از دیگر سو، در کنار دفع این تهدیدات امنیتی و کسب سود اقتصادی ناشی از همکاری‌های نظامی، باعث تقویت روابط در حوزه‌های سیاسی شود و هم‌گرایی در سطح منطقه را گسترش دهد.

- حذف نگاه امنیتی به جمهوری آذربایجان: وزن جغرافیایی و نظامی جمهوری آذربایجان در حدی نیست که برای ایران تهدید امنیتی تلقی شود. هرچند متأثر از عوامل داخلی و با اتکا به مباحثی مانند حرکت‌های گریز از مرکز در داخل کشور این موضوع